مـدرک را بیاورد تا آزادش کننـد. به برخی گفته‌اند ۲۵ میلیون تومان جواز آزادی است؛ پولی که از طریق دفاتر کفالت به حساب دولت واریز می‌شود.

آن‌سـوی خیابان مردی بـا صورت تکیده ایسـتاده و خاموش در حال گوش دادن به صحبت‌های مرد کت و شـلوار پوشی است؛ مرد صاحب‌کارش است و مشغول قانع کردن او که به افغانستان برگردد. دو میلیون تومان در جیبش گذاشته تا بهانه‌ای نداشته باشد، مرد اما قانع نمی‌شود، مادرش، همسرش و فرزندش تنها در ایران مانده‌اند.

تا سـاعت یک ظهر، دستگیری مهاجران افغانستانی ادامه دارد؛ تعدادی از آنها را ماموران موتوری می‌آورند. مانند سـارقانی که حین دزدی دستگیر شده‌اند. بابور و باتور، روی تخته سنگی منتظر پدرشان نشسـته‌اند؛ خردینه‌های ۵ و ۸ سـاله که در ایران متولد شده‌اند، در ایران بزرگ شده‌اند و افغانستان را تنها به‌اسم می‌شناسند. نمی‌دانند هرات، بغلان، مزارشریف... کجای نقشه‌اند اما حالا باید سراغ پدر را از اقوامشان در هرات بگیرند. پدر تا چند ساعت دیگر راهی مرز می‌شود.

سـالن انتظار پر از جمعیت اسـت؛ سـالنی بزرگ بـا دو دریچه؛ یکـی برای زنان و یکی برای مردان. زنان زیادی روی زمین نشسـته و به دیوار تکیه داده‌اند. در بخش مراجعان، دسـت‌های دراز به سـمت سـربازی که آن‌طرف روی صندلی نشسـته و یک برگه‌ای در دستش اسـت. او اسامی را می‌نویسد تا یک‌به‌یک صدایشان کند، بیایند پول بگیرند، مدرک بگیرند، ساک بگیرند و راهی شوند. اسامی یک‌به‌یک خوانده می‌شود. نوبت به هر نفر برسد، باید پول، لباس و غذا بیاورد و با مسافرش خداحافظی کند. اگر هم مدرک پلیس‌پسندی داشته باشد، ارائه می‌دهد و اگر تایید شد، عزیزش را پس می‌گیرد. در سالن انتظار خیلی‌ها پاسپورتی‌اند، اما مردشان را گرفته‌اند. برگه سرشماری را هم قبول ندارند. به آنها گفته‌اند ۱۰۰ میلیون بدهید، آزاد می‌کنیم. فتحی محمد، از پشت تلفن با همسرش بهار حرف می‌زند.

آنجا چند نفرید؟

۸۰۰-۷۰۰ نفری می‌شویم، کودکان ۸ و ۹ ساله هم بین‌مان هستند. آنها را به بهزیستی می‌فرستند.

آن‌سوی دیوار، هیچ امکاناتی نیست و روز قبل ماموران کتک‌شان زده‌اند. فتحی محمد، سرپرست بخش کارتن‌سازی یک کارگاه است و همسر و پسر سه‌ساله‌اش، این سوی دیوار، در انتظارش نشسته‌اند. خانواده‌هـا اهـل ولایت‌های بغلان، هـرات و مزارشـریف‌اند و از این ولایت‌ها جز نام چیز دیگری نمی‌شناسند.

اردوگاه بازگردانـدن اجبـاری مهاجران افغانسـتانی امـا تنها در شهرسـتان کرج نیسـت، دو سـاعت‌ونیم دورتر از تهران، در اردوگاه عسگرآباد، جمعیت زیادی اطراف در آهنی بزرگی پراکنده‌اند. اردوگاه عسگرآباد ورامین سال‌هاست اتوبوس‌های حامل مهاجران افغانستانی را می‌بیند که می‌روند و می‌آیند. مغازه‌های اطراف، بازارشـان سـکه شده، هرروز جمعیت زیادی می‌آیند تا همسر، برادر و پسرشان را بدرقه کنند. اغلب مدرک پاسپورت دارند، تمدید شده و نشده، مساوی است با دستگیری. خیلی‌وقت‌ها تا خانواده مدرک را بیاورد، اتوبوس به‌سمت مرز حرکت کرده. مثل پدر سـارا که در نصیرآباد دستگیر شده و تا آنها بروند و مدرک بیاورند، پدر از ظهر خارج شده. پدری که بنایی می‌کند و بیش از ۳۰ سال است در شهرری زندگی می‌کند.

در سـالن انتظار اردوگاه عسـگرآباد ورامین، خبر کارت هوشمند ۱۰۰ میلیون تومانی پیچیده؛ کارتی که می‌گویند شـبیه کارت ملی اسـت و جای برگه سرشماری، پاسـپورت و کارت آمایش را می‌گیرد. هرچند همه نمی‌توانند شـرایط گرفتنش را داشته باشند. همین که اثرانگشت‌شان در اردوگاه‌های بازگشتی باشد، یعنی پرونده گرفتن این کارت هم بسته شده.

زن رنگ جنوبی‌هاسـت؛ لباس‌هایش هم. بلوچ است. همسر ایرانی دارد اما امیده، دختر ۲۸ سـاله‌اش که از همسـر اول است، پاکسـتانی مانده و یک هفته قبـل از آن روز، پلیس او را دسـتگیر کـرده. چند باری تلفنی با او صحبت کرده‌اند. امیـده صرع دارد و دقیقاً زمانی که دختران کوچکش را با لباس‌های بلوچی به درمانگاه می‌برده، از سوی پلیس دستگیر شده. او آنجا تنها نیست. چند زن دیگر را هم همراه او دستگیر کرده‌اند.

مگر زنان را هم دستگیر می‌کنند؟

بله، امیده گفته چند زن دیگر هم کنارش هستند.

پاکسـتانی‌ها را از مرز میرجـاوه رد می‌کنند، بـه آنها هیچ کارت معتبری نمی‌دهند. حسـینیه مادر امیده، تـا وزارت امور خارجه هم رفته، دخترش دفتر اقامت دارد اما هیچ‌کس جوابش نمی‌دهد. به آنها گفته‌اند همین روزها رهایش می‌کنند، اما خبری نیست. آنها سرگردان به اردوگاه عسگرآباد آمده‌اند تا شاید دخترشان را آزاد کنند.

آفتاب تندتر از همیشه بر سر مردم این سو و آن‌سوی دیوار می‌تابد. درهای آهنی باز و بسته می‌شود، اتوبوس‌ها خالی می‌آیند و پر می‌روند به سمت جاده‌ای مه‌گرفته. سرنشینان چشـم از جاده بر نمی‌دارند، اتوبوس به سمت سرزمین پدری‌شان می‌راند، سرزمینی دور از امید، دور از رنگ، جدا از جامانده‌هایشان.

افزایش ورودی و خروجی مهاجران

روند اخراج مهاجران افغانستانی از تابستان امسال شدت گرفت و درنتیجه آن، اواخر تیرماه امسال وزارت امور مهاجران و عودت‌کنندگان امارات اسلامی، از خروج ۹ هزار و ۷۳۰ مهاجر افغانستانی از کشورهای ایران و پاکسـتان از ۱۹ تا ۲۲ تیرماه خبر داد. این افراد از مرزهای پل ابریشـم ولایت نیمروز، اسلام قلعه ولایت هرات، سپین بولدک ولایت قندهار و خط فرضی تورخم ولایت ننگرهار به‌طور اجباری و داوطلب به کشورشان بازگردانده شدند. آنطور که گفته می‌شود، روزانه هزاران نفر از مهاجران افغانستانی از کشور خارج می‌شوند.

براسـاس اعلام پژوهشـگران این حوزه، در دهه ۹۰ سالانه ۵۰۰ هزارنفر خارج و ۵۰۰ هزارنفر هم وارد کشور می‌شدند. در این سه‌سال اخیر، حتی شـنیده شـد که سـالانه دو میلیون نفر از ایران رفته‌اند. گروهـی از ایـن افراد بـه اجبار خارج می‌شـوند امـا به‌دلیل حضور خانواده‌شان در ایران، همچنین وضعیت معیشت بازمی‌گردند و این چرخه ادامه‌دار می‌شود. گفته می‌شود که تعداد خروجی‌ها و ورودی‌ها در سه‌سال گذشته بیشتر از دهه ۹۰ است.

آرش نصراصفهانی، یکی از همان پژوهشگران است؛ جامعه‌شناسی که پیش از این مطالعات گسـترده‌ای در زمینه مهاجران افغانستانی انجام داده و حالا در گفت‌وگو با هم‌میهن درباره سیاسـت‌های ایران برای ورود و خروج این افراد توضیح می‌دهد. او می‌گوید که مهاجران افغانسـتانی از دهه ۵۰ وارد کشور شـدند و از همان ابتدا نکته قابل توجه این بود که حضور این افراد در ایران چگونه ثبت شود. اینکه برگه شناسایی داشته باشند یا مدرک دیگری، مسئله دولت‌ها بوده است. از سال ۵۹، دولت وقت تصمیم می‌گیرد تا حضور این افراد را در کشور ثبت کند. این کار شـروع شـد اما تا همین امروز، فرآیند ثبت حضور مهاجران افغانستانی در ایران یکی از مشکلات کشور است.

افغانستانی‌ها در ایران، گروهی از مهاجران و پناهجویانی هستند که در پی جنگ‌های طولانی، ناامنی و نبود شـغل وارد ایران شـدند. بیشتر این مهاجرت‌ها در سـال‌های جنگ ایران و عراق و همزمان با جنگ‌های داخلی افغانستان اتفاق افتاد. آن‌زمان امام خمینی دستور دادند مرزها برای ورود مهاجران باز شـود و سپاه پاسداران موظف شد که برای ورود این افراد همکاری کند. از آن تاریخ به‌تدریج سه میلیون افغانسـتانی وارد کشـور شـده و اغلب به‌عنوان کارگر در بخش‌های مختلف مشغول به‌کار شدند. در سرشماری سال ۹۵، مرکز آمار ایران اعلام کرد که بیشـترین مهاجران افغانسـتانی در استان‌های تهران، خراسـان رضوی، اصفهان و کرمان زندگی می‌کنند. این مرکز تعداد مهاجران افغانستانی را یک میلیون و ۵۸۳ هزار و ۹۷۹ نفر اعلام کرد که معادل ۱/۹۸ درصد جمعیت کشور است. با گذشت نزدیک به هشت سال از این سرشماری، گفته می‌شود که تعداد این افراد به شش میلیون نفر رسیده اسـت. البته احمد وحیدی، وزیر وقت دولت سیزدهم در وزارت کشور، مهرماه سال گذشته تعداد مهاجران افغانستانی در ایران را پنج‌میلیون نفر اعلام کرد. همان‌موقع هم نسبت به این عدد واکنش نشان داده شـد و تعداد این افراد را ۸ میلیون نفر اعلام کردند، با این توضیح که هرروز حدود ۱۰ هزار نفر به‌صورت غیرقانونی و قانونی وارد کشور می‌شوند.

عمد در غیرقانونی نگه‌داشتن افغانستانی‌ها

به‌گفته این پژوهشگر، بعد از شروع دهه ۷۰ یکی از دلایل افزایش جمعیت مهاجران افغانستانی در ایران، ثبت کردن آنها شناخته می‌شد. دولت وقت فرضش بر این بود که اگر حضور این مهاجران در ایران ثبت شود و مدرک اقامت بگیرند، باعث می‌شود تا تعداد افغان‌های بیشتری وارد کشـور شوند. بنابراین «غیرقانونی نگه‌داشتن افغانستانی‌ها» در ایران، یکی از عوامل کنترل جمعیت تلقی می‌شود.

با گذشـت چهار دهه، حالا ایران در سیاست جدیدی اعلام کرده که دیگر توانایی پذیرش افغانستانی‌ها را ندارد. تا جایی که فروردین‌ماه، وزارت کشور در بیانیه‌ای انتقادی این موضوع را اعلام کرد. در همین بیانیه چند نکته مورد توجه قرار گرفت؛ مهاجران افغانسـتانی باید به سرزمین خود برگردند و افغانستان را آباد کنند. افراد بدون مجوز، توسط کارگزاران مربوطه باید به کشورشان بازگشت داده شوند. امکان پذیرش افغانستانی‌ها وجود ندارد. آنهایی که مجاز به حضور موقت در کشور شده‌اند، باید ساماندهی شوند.

با این حال اما این پژوهشـگر مسـائل اجتماعی نسبت به روش اجرای طرح‌های ساماندهی انتقاد می‌کند. به گفته او، راه‌حل نهایی از نظر دولت‌ها در ایران در ارتباط با مهاجران افغانسـتانی، بازگشـت آنها به کشورشان است، این راه‌حلی است که طی چهار دهه تغییری نکرده؛ درحالی‌که زندگی مهاجران در حال حاضر نسبت به ۴۰ سال قبل تفاوتی کرده است: «هم‌اکنون نسل‌های دوم و سوم افغانستانی‌ها در ایران به دنیا آمده‌اند و آنها جایی غیر از ایران نمی‌شناسند، منطقی نیست به افغانستان برگردند.»

ورود نابسـامان مهاجران افغانستانی به کشـور، منجر شد تا بند «الف» ماده ۸۶ لایحه برنامه هفتم توسعه را برای ساماندهی مهاجران و اتباع بیگانه تصویب کنند. آنها همچنین وزارت کشور را مکلف کردند تا با همکاری دبیرخانه شورایعالی امنیت ملی، سازمان ملی مهاجرت را تشکیل دهند.

نصراصفهانی می‌گوید که مکانیزم بازگرداندن افغانسـتانی‌ها به کشورشان، صرفاً در اختیار پلیس است. این نهاد براساس تشخیص خود و حکم وزارت کشور، اقدام به اخراج آنها می‌کند. سیستم نیروی انتظامی اینطور نیسـت که فرآیند قضایی روشـنی داشـته باشد یا برای هر فرد، پرونده فردی جداگانه‌ای وجود داشـته باشد. در نیروی انتظامی برای اینکه تصمیم به خروج یک‌نفر گرفته شـود، به شرایط خود و خانواده‌اش توجه نمی‌شود. افراد به تشخیص پلیس در خیابان شناسایی می‌شوند، اگر خانواده بتواند مدرک شناسایی بیاورد یا بتواند رشوه‌ای بدهد، فرد آزاد می‌شود. در این میان هم برای سایر افراد امکان فرجام‌خواهی یا بررسی کارشناسـی وضعیت فرد، در اختیار گرفتن وکیل و... وجود ندارد.

هر افغانستانی باید یک پرونده داشته باشد

او معتقد است که هر افغانستانی در ایران باید یک پرونده فردی داشته باشد، درحالی‌که از ابتدای ورود افغانستانی‌ها به ایران، آنها به‌شکل پناهنده جمعی در نظر گرفته شدند؛ یعنی اعتقاد بر این بود که آنها پناهنده هستند و باید به کشور خودشان برگردند به‌همین دلیل هیچ وقت دولت حاضر به تشـکیل پرونده برای این افراد نشد: «اگر این افراد پرونده داشته باشند، می‌توان با بررسی وضعیت هر نفر، برای حضور یا خروجش از کشور تصمیم گرفته شود. تصمیم‌گیری‌های فعلی بیش از همه به کودکان آسیب می‌زند.» این پژوهشگر می‌گوید که در بسـیاری از کشورها، آژانس پناهندگان سازمان ملل، مسئول ثبت این افراد اسـت، هر شخصی که وارد کشـوری می‌شود به این آژانس مراجعه کرده و درخواسـت پناهندگی می‌کنـد. این روند در ایران وجود ندارد.

مهاجران افغانسـتانی در ایران، مدارک هویتی متعـددی دارند، یکی از آنها هم برگه سرشـماری است. این برگه مختص افرادی است که در چند سـال اخیر هویت‌شان توسـط ایران بررسی و ثبت شده. برگه سرشماری به دو گروه تقسیم می‌شود؛ یکی سبز و دیگری سفید. مهاجرانی که برگه سرشماری‌شان را از دفاتر وکالت می‌گیرند، رنگ سبز را می‌گیرند و آنها که هویت‌شان توسط دفاتر پیشخوان دولت بررسی و ثبت‌شـده برگه سرشماری سـفید می‌گیرند. اینها توضیحات نصر اصفهانی است.

یکی از راه‌حل‌ها که از اوایل دهه ۸۰ پیگیری شـد، این بود که هر چندوقت یک‌بار، طرح سرشماری اجرا شود و تمام افرادی که در ایران زندگی می‌کنند و مدرک اقامتی ندارند، نام خودشان را ثبت کنند. در راستای همین موضوع، در هر دوره به افرادی که مراجعه کردند کارت شناسایی داده شـد، مثل کارت آمایش و بعداً پاسپورت خانواده. در سال ۱۴۰۱ هم برگه سرشماری برای آنها صادر کردند اما از آنجایی که دولت می‌خواهد در ثبت کردن این افراد محتاط باشد، فرآیند دائمی برای ثبت‌کردن این افراد وجود ندارد.

به گفته این پژوهشگر اجتماعی، طرح‌های سرشماری در ایران هر چندسال یک‌بار انجام می‌شود اما مشکلی که وجود دارد، مکانیزم ثبت هویت و صدور مجوز اقامت برای آنهاست. اعتبار کارت‌ها و برگه‌هایی که برای این افراد صادر می‌شود، برابر نیست. کسی که کارت آمایش دارد، مدرکش نسبت به کسی که برگه سرشماری دارد، معتبرتر است و باید هر سـه‌ماه و شـش‌ماه تمدیدش کند. خیلـی وقت‌ها ممکن اسـت پلیس برگه سرشماری را معتبر نداند و اقدام به اخراج فرد کند. این برگه‌ها معمولاً تاریخ‌گذشته هسـتند و به‌صورت شفاهی تمدید می‌شوند.

کارت آمایش مهاجران، یک مدرک شناسـایی یـا نوعی گذرنامه موقـت برای اتباع خارجی اسـت کـه در دوره‌های یک‌سـاله تمدید می‌شـود. از طریق همین کارت آمایش، ثبت تولـد، ازدواج، طلاق و فوت افراد در دفاتر کفالت انجام می‌شود. از طریق همین کارت، بیمه سـلامت رایگان به آنها تعلق می‌گیرد و با نامه بهزیسـتی و پاسپورت سـفید، این افراد می‌توانند معرفی‌نامه صدور یا تمدید گواهینامه از اداره اتباع به پلیس مهاجرت را بگیرند. همچنین از طریق همین کارت می‌توانند برای گرفتن مجوز کار در یکی از استان‌های مشخص، اقدام کنند. اما پروسه دریافت این کارت، صف‌های طولانی و شرایط دریافت آنقدر سخت بود که خیلی‌ها را منصرف کرد.

اسامی خوانده می‌شود. نوبت به هر نفر برسد، باید پول، لباس و غذا بیاورد و با مسافرش خداحافظی کند. اگر هم مدرک پلیس‌پسندی داشته باشد، ارائه می‌دهد و اگر تایید شد، عزیزش را پس می‌گیرد. در سالن انتظار خیلی‌ها پاسپورتی‌اند، اما مردشان را گرفته‌اند. برگه سرشماری را هم قبول ندارند. به آنها گفته‌اند ۱۰۰ میلیون بدهید، آزاد می‌کنیم. فتحی محمد، از پشت تلفن با همسرش بهار حرف می‌زند

خبرسازان

قربانیان سالانه دریا

جعفـر میعادفـر، رئیـس سـازمان اورژانس کشـور با بیـان اینکه در پنـج ماه نخسـت امسـال ۸۱۵ مورد غرق‌شـدگی در کشـور ثبت شـد که حاکی از رشد ۸ درصدی غرق‌شـدگی نسـبت به مدت مشـابه سـال ۱۴۰۲ اسـت، گفـت: «در پنج ماه اول امسـال از بین ۸۱۵ نفر غرق‌شـده، ۷۶۲ نفر ایرانـی و ۵۳ نفر معادل هفت درصد از کل غرق‌شـدگان، اتباع سـایر کشورها بوده‌انـد. از این تعداد غرق‌شـده خوشـبختانه ۳۳۶ نفـر پس از نجات توسـط اورژانس پیش‌بیمارسـتانی تحت درمان قرار گرفتند و متأسـفانه ۴۷۹ نفر نیز جان خود را از دسـت دادند.» او با اشـاره به رشد ۸ درصدی فوتی‌های ناشی از غرق‌شدگی در پنج ماه اول امسال، از کاهش ۳۰ درصدی غرق‌شـدگی در سواحل دریاها خبر داد و گفت: «۸۰ درصد افراد غرق‌شده و ۸۶ درصد از فوتی‌ها، مردان هسـتند. بیشـترین غرق‌شدگی در رودخانه‌ها، سواحل دریاها و استخرهای کشاورزی ثبت شده است.» رئیس سازمان اورژانس کشور غرق‌شدگی را سومین عامل مرگ ناشی از حوادث غیرعمد در دنیا دانست: «بیشترین خطر در فصل تابستان به‌ویژه برای نوجوانان و جوانان، غرق‌شدگی است. به‌طور میانگین هر سال حدود ۲۳۶ هزار نفر به‌دلیل غرق‌شدگی جان خود را از دسـت می‌دهند که بیشـترین گروه قربانی غرق‌شدگی، کودکان و مردان هسـتند.» او ادامه داد: «خلیج‌فارس با ۸۴ مورد و دریای کاسـپین با ۸۰ مورد، بیشترین غرق‌شـدگی در سواحل دریایی را داشته‌اند. همچنین استان‌های خوزستان با ۲۵ مورد، آذربایجان غربـی بـا ۲۴ مـورد و گیلان بـا ۱۸ مورد، بیشـترین غرق‌شدگی در رودخانه‌ها را در کشور داشته‌اند.»

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور- حوزه ثبت ملک خاوران تهران
م الف: ۱۲۷۴۰

آگهی فقدان سند مالکیت

مشخصات ملک: یک قطعه زمین به پلاک ثبتی ۲۶ فرعی از ۴۴۴۷ اصلی، مفروز و مجزاشده از فرعی از اصلی مذکور، واقع در بخش ۰۷ ناحیه ۰۰ حوزه ثبت ملک خاوران تهران استان تهران به مساحت ۵۶ مترمربع
مشخصات مالکیت: مالکیت ابوالفضل فلاحتی چیمه فرزند احمد شماره شناسنامه ۳۵۷۰ تاریخ تولد ۱۳۵۰/۰۱/۰۱ صادره از تهران دارای شماره ملی ۰۰۵۶۰۲۴۷۹۷ با جز سهم ۶ از کل سهم ۶ به عنوان مالک شش دانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۲۲۷۵۴۱ تاریخ ۱۳۸۵/۰۳/۲۹ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۲۱۶ شهر تهران استان تهران، موضوع سند مالکیت اصلی به شماره چاپی ۶۹۵۴۴۴ سری - سال - با شماره دفتر الکترونیکی ۱۴۰۱۲۰۳۰۱۰۵۴۰۱۴۲۶۳ ثبت گردیده است.
محدودیت: محدودیت دفتر املاک: رهنی شماره ۱۶۱۴۰۲ و شماره سیستمی ۱۴۰۱۰۵۲۰۱۰۵۴۰۰۲۴۷۰ مورخ ۱۴۰۱/۰۴/۲۱ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۱۰۷ شهر تهران استان تهران که به نفع بانک مسکن به مبلغ ۲۱٬۰۰۰٬۰۰۰٬۰۰۰ ریال به مدت ۱۲ ماه ثبت شده. مازاد دارد رهنی شماره ۱۶۲۸۸۲ و شماره سیستمی ۱۴۰۲۰۵۲۰۱۰۵۴۰۰۲۱۲۸ مورخ ۱۴۰۲/۰۴/۲۷ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۱۰۷ شهر تهران استان تهران که به نفع بانک مسکن به مدت ۱۵ ماه ثبت شده.
اینک مالک فوق‌الذکر با ارائه دو برگ استشهادیه که به امضاء شهود رسیده است و ذیل یکی از آنها طی ذیل گواهی شماره ترتیب ۵۷۵۴۷۵ مورخ ۱۴۰۳/۰۵/۱۴ دفترخانه ۱۰۲۰ تهران گواهی امضاء گردیده مدعی است که اصل سند مالکیت به علت اسباب‌کشی و جابجایی مفقود گردیده است و تقاضای صدور المثنی سند مالکیت ملک مذکور را نموده.
لذا مراتب به استناد ماده ۱۲۰ آئین‌نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی می‌شود تا چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت و یا در اختیار داشتن سند مالکیت نزد خود می‌باشد ظرف مدت ۱۰ روز از انتشار این آگهی به این منطقه مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت اقدام نماید. بدیهی است در این صورت پس از تنظیم صورت‌مجلس اصل سند مالکیت به ارائه‌کننده مسترد خواهد شد و پس از انقضاء مدت مذکور و عدم هرگونه اعتراض این منطقه نسبت به صدور المثنی سند مالکیت اقدام خواهد نمود.
محسن هدائی - سرپرست واحد ثبتی حوزه ثبت ملک خاوران تهران - از طرف سیدجواد طباطبایی جعفری

شرکت انتقال گاز ایران
منطقه ۸ عملیات انتقال گاز

آگهی تجدیدمناقصه عمومی یک مرحله‌ای با ارزیابی کیفی فشرده
(شماره مناقصه: ۸۷۱۳۰۰۴۰)، (کد فراخوان در پایگاه ملی اطلاع رسانی مناقصات: ۵۳۱۷۸۳۱۸)
(شماره فراخوان در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت: ۲۰۰۳۰۹۱۵۹۲۰۰۰۰۲۴)
نوبت اول

نام و نشانی دستگاه مناقصه گزار: شرکت انتقال گاز ایران (منطقه ۸ عملیات انتقال گاز) به نشانی تبریز-کیلومتر ۱۵ جاده تبریز-آذرشهر- بعد از سه راهی پالایشگاه، نرسیده به شهرک صنعتی شهید رجایی، ساختمان مرکزی منطقه هشت عملیات انتقال گاز، سایت اینترنتی www.nigcdist8.ir
۱ـ موضوع و نوع تجدید مناقصه: خرید یک دستگاه نشت یاب لیزری مکشی قابل نصب بر روی خودرو به صورت عمومی یک مرحله‌ای با ارزیابی کیفی فشرده به مدت ده ماه شمسی.
۲ ـ مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: ۱۹۰۰۰۰۰۰۰۰ریال مطابق بند الف ماده ۵ آیین نامه تضمین معاملات دولتی (تصویب نامه شماره ۱۲۳۴۰۲/ت ۵۰۶۵۹ تاریخ ۱۳۹۴/۰۹/۲۲) در وجه شرکت انتقال گاز ایران (منطقه ۸ عملیات انتقال گاز)
مناقصه گران مکلفند ضمن بارگذاری تصویر ضمانتنامه مذکور در سامانه ستاد، پاکت الف (حاوی اصل ضمانت نامه) را به صورت فیزیکی حداکثر تا پایان مهلت عودت اسناد تحویل دستگاه مناقصه گزار به نشانی تبریز-کیلومتر ۱۵ جاده تبریز-آذرشهر- بعد از سه راهی پالایشگاه -نرسیده به شهرک صنعتی شهید رجایی-ساختمان مرکزی منطقه هشت عملیات انتقال گاز- طبقه سوم-اتاق ۴۱۵ -دفتر کمیسیون مناقصات نموده و رسید دریافت نمایند.
۳ـ نحوه دریافت اسناد مناقصه، فرمها و مدارک ارزیابی کیفی، عودت، تحویل، بازگشایی فرمها و مدارک ارزیابی کیفی و پیشنهاد قیمت مناقصه گران: کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت، تکمیل، عودت، تحویل، بازگشایی فرمها و مدارک ارزیابی کیفی و پیشنهاد قیمت مناقصه گران، از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد. لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.
تاریخ انتشار فراخوان در سامانه روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۶/۰۵ می‌باشد.
۳-۱- شایان ذکر است مناقصه گرانی مجاز به شرکت در این مناقصه می‌باشند که دارای شناسه ملی/پروانه کسب، شماره اقتصادی و گواهی نامه ثبت نام در نظام مالیات بر ارزش افزوده بوده و تصویر این مدارک را به همراه فرم‌های ارزیابی کیفی با مستندات مربوطه، ممهور به مهر و امضاء الکترونیکی عوامل مجاز کرده و در سامانه ستاد بارگذاری نمایند.
۴-آخرین مهلت دریافت/دانلود اسناد مناقصه، فرم‌ها و مدارک ارزیابی کیفی: روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۶/۱۳ ساعت ۱۶
۵-آخرین مهلت عودت/بارگذاری اسناد مناقصه، فرم‌ها و مدارک ارزیابی کیفی: روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۶/۲۸ ساعت ۱۱
بدیهی است پاکات قیمت مناقصه گرانی گشایش خواهد یافت که حداقل امتیاز قابل قبول را از ارزیابی کیفی مناقصه بدست آورده باشند. زمان و مکان گشایش پاکات پیشنهاد قیمت متعاقباً به صورت مکتوب به مناقصه گران حائز شرایط اطلاع رسانی خواهد شد. شایان ذکر است مناقصه گرانی که حداقل امتیاز ارزیابی کیفی مناقصه را کسب ننمایند پاکات پیشنهاد قیمت آنها گشایش نخواهد یافت.
۶-پیش پرداخت: پیش پرداخت معادل ۲۵ درصد قیمت پیشنهادی مطابق مفاد اسناد مناقصه.
۷-جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۳۱۴۴۴۱۸۰-۰۴۱ و یا دورنگار ۳۱۴۴۴۱۷۵-۰۴۱ تماس حاصل فرمایید.
اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه: مرکز تماس: ۱۴۵۶-۰۲۱
شناسه آگهی: ۱۷۷۵۱۳۴
روابط عمومی منطقه ۸ عملیات انتقال گاز